

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

جواد طیب  
۱۲ دسمبر ۲۰۲۰



جواد طیب

## پیرامون طرح وزیر معارف

جانشین ساختن سیستم آموزش مدرن با ملا و مسجد



امروزه ما در جهانی زندگی می‌کنیم که اکثریت پدیده‌ها و مناسبات اجتماعی بنا به کثرت و گسترش مرادوات میان انسان‌ها در محدوده یک جغرافیا و در سطح جهانی نیاز به بازتعریف دارند؛ چون نیازها بیشتر همگانی شده است؛ بازار، مصرف و تبادل کالاها دیگر هیچ‌کس و پدیده‌ای را غنوده در لاک خودش نمی‌گذارد که دم و بازدم راحت داشته باشد. شما شاید و باید با معیارهای جهانی حرف بزنید، تحصیل کنید، مهارت داشته باشید، محصول و فرآورده‌ای تولید کنید؛ در غیر آن به گرد و خاک آثار باستانی می‌مانید که حتی در موزیم‌ها نیز جایی برای شما نیست و نخواهد

بود. آری اگر یک زمان جهانی شدن ایستگاهی بود که خواه ناخواه همه آدم ها از هر جغرافیائی از آن بگذرد، اکنون به یقین دیگر هر کدامی از آدم ها از پامیر افغانستان تا فلان کشور نهایت فقیر افریقائی از آن گذشته است.

بدون شک هر یکی از ما روزمره به کرات کالاهای جهانی را به مصرف می‌رسانیم؛ اما پرسش اساسی این است که در این قرن بیست و یک و عصر حاکمیت گلوبالیسم، چرا پدیده‌ها و افکار باستان و قرون وسطی تولید و باز تولید می‌شوند؟ نفع و سود آن به چه اشخاص و طبقاتی می‌رسد؟ و چه کسانی به عنوان وسیله و کالاهای مصرفی و سود آور گوشت دم توپ می‌شوند؟ چرا زن ستیزی و کودک آزاری که ده ها هزار سال از آغاز آن می‌گذرد هنوز جزء جدائی ناپذیر رفتار و اعمال انسان هاست؟ ناسیونالیسم و انواع آن که انسان ها را بر مبنای قوم، زبان، سمت، محل و جغرافیا به جزیره‌های مجزا و در تخاصم با هم تبدیل ساخته و دشمن یک دیگر قلمداد می‌کند هنوز بازار گرم دارد؟ چرا با وجود عروج علم و تکنالوژی هنوز هم اجتماعات بشری این چنین پر از خرافات و آگاهی وارونه است؟ چرا در جهانی که امروزه فرایند یادگیری و آموزش مرزهای ملی- دولتی را درنور دیده است برای کشورهای افسار "بتیل" (۱) سر قافله اش به طرف معیارهای عصر حجر کشیده می‌شود؟

برای این که حالا دیگر همه این ها در یک سطح نه اعتقاد و باورها بل کالا های نظام سرمایه‌داری است و هر روزه مطابق به نیامندی این سیستم اینجا و آنجا باز تولید می‌شود. این پرسش ها گاه و ناگاه ممکن پاسخ هائی هم گرفته باشند، اما با تأسف بیشتر هم روند با فرایند موجود سطحی و اکثراً به دلایل حاکمیت جنبش های ناسیونالیستی محلی است. اما همان گونه که این جملات اساسی سؤالیه دار در سطح بین المللی مطرح است و به گونه ای نمایانگر زندگی پارادوکسال آدم ها در قرن بیست و یک می‌باشد پاسخ آن ها هم با توجه به ضرورت و نیازهای سیستم حاکم جهانی می‌تواند معنا یابد، نه در سطح حکومت یک کشور و فلان وزیر.

فاشیسم، مذهب، ناسیونالیسم و غیره گروه های ارتجاعی از زمانی که تکیه گاهی در قدرت سیاسی می‌یابند و سیستم سرمایه‌داری در پشت این ها قرار می‌گیرد، بیشتر توده‌گیر می‌شوند، و به زبان دیگر قدرت امر و نهی می‌یابند؛ ورنه هیچ آدم عاقلی به خرافات دوران باستان تن در نمی‌دهد. و بیشتر از همین سر است که ما همواره تأکید می‌ورزیم که دیگر نمی‌شود تنها با عناصر تنویر افکار و علم باوری در محدوده چند جزوه و چپتر با این ها به مبارزه رفت؛ حالا دیگر این ها با حمایت کشورهای سرمایه‌داری امپریالیستی جزئی از جنبش های اجتماعی در سطح جهان اند. و این جنبش ها اساساً جزئی از نیازهای سرمایه‌داری امروز و در خدمت آن است. هر چند سرمایه‌داری در عصر رقابت آزاد در انقلاب فرانسه و امریکا با بخش هائی از این اندیشه ها و پدیده های قرون وسطی که مانع رشد این سیستم می‌شد بی رحمانه تصفیه حساب کرد. اما بنا به منافعش هر از گاهی هر کدام این ها را در مقاطع دیگر تولید و باز تولید کرده و کماکان باز تولید می‌کند. چون این عقب‌گردها در عرصه های مختلف اجتماعی برای سیستم بردگی مزدی سود می‌رساند. در پس هر کدام از این اعمال قرون وسطائی کسانی اند که سرگرم تجارت و معامله بوده و از قیل آن زندگی بهشتی خود را سپری می‌کنند. مسأله اساسی و مهم این است که مینا و ریشه همه این جنبش های ارتجاعی یکی است و همه همسو به نظام سرمایه‌داری سود می‌رسانند. هر جنبش و نظریه‌ای که مالکیت خصوصی را تقدیس و به رسمیت بشناسد رفیق و همدم سرمایه‌داری است. و جنبش هائی که در فوق بدان اشاره رفت در قسمت تقدیس و قبول مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و ثروت اجتماعی و همگانی مبنای مشترکی دارند. برای همین است که در این عصر علم و خرد، توهم و بربریت حاکم و حکم‌فرماست. بی‌جا نیست که امریکا، اروپا، کشورهای عربی و غیره از دهه ها به این سو بالای گروه های تروریستی و بشدت مرتجع حساب باز کرده اند و حالا با هزار و یک بهانه می‌خواهند بار دیگر آن ها را بر گرده مردم سوار کنند. مبارزه با ناسیونالیسم، فاشیسم، زن ستیزی و همه جنبش های ارتجاعی در گرو

شناسائی ماهیت طبقاتی این جنبش ها است و رهائی از همه اشکال ستم اجتماعی در گرو زدودن کل سیستم سرمایه‌داری. هابسبام دقیق می‌گفت حتا "از نقطه نظر محیط زیست اگر انسان قرار باشد آینده ای داشته باشد سرمایه‌داری نمی‌تواند آینده ای داشته باشد... آینده بشر نمی‌تواند ادامه گذشته و یا امروز باشد."

-----

(1) بتیل به معنای زن از دنیا بریده به جهت خدای تعالی. (دهخدا) و در نزد باشندگان سمت شمال افغانستان به معنای اسپ ماده (مادیان)